

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# فیش منبر

زمان شناسی حضرت زینب کبری

\*سلام الله علیها\*



کانال فیش منبر در ایتا



<https://eitaa.com/fishemenbar>

سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

یحیای مازنی، از همسایگان امیرالمؤمنین علیه السلام، نقل می کند:

«كنت في جوار أمير المؤمنين عليه السلام في المدينة مدّةً مديدةً، و بالقرب من البيت الذي تسكنه زينب ابنته، فلا - و الله - ما رأيت لها شخصا، و لا سمعت لها صوتا». مدت طولانی در مدینه همسایه امیرالمؤمنین بودم والله حتی یک بار نه خانم زینب سلام الله علیها را دیدم و نه حتی صدای ایشان را شنیدم. سپس می گوید:

«و كانت إذا أرادت الخروج لزيارة جدّها رسول الله صلى الله عليه و آله تخرج ليلا، و الحسن عن يمينها، و الحسين عن شمالها، و أمير المؤمنين أمامها، فإذا قربت من القبر الشريف سبقها أمير المؤمنين عليه السلام فأحمد ضوء القناديل، فسأله الحسن مرّة عن ذلك؟

فقال: أخشى أن ينظر أحد إلى شخص اختك زينب». زینبی سلام الله علیها با این حیا و عفت که برای اینکه کسی قامتشان را نبیند شبانه به زیارت جدشان می رفتند و امام حسن و امام حسین و امیرالمؤمنین علیهم السلام اطرافشان را می گرفتند، در کوفه چنان خطبه ای خواندند که کل شهر کوفه

گریان شد. بشیر بن خزیم اسدی نقل می‌کند: آن روز زینب دختر علی توجه مرا بخود جلب کرد، بخدا قسم! زنی را که سرا پا شرم و حیا باشد از او سخنران‌تر ندیده‌ام! گوئی سخن گفتن را از زبان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب فرا گرفته بود، همین که همراه با اشاره دست به مردم گفت: ساکت شوید، نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد و زنگ‌ها که به گردن مرکب‌ها بود، از حرکت ایستاد. سپس به خطبه خواندن پرداخت.

یا در شام وقتی مردک شامی برخاست و به یزید گفت: یا امیر المؤمنین! این دوشیزه را به من ببخش! فاطمه در حالتی که از وحشت می‌لرزید، دامن عمه‌اش زینب را گرفت. زینب سلام‌الله‌علیها او را در آغوش گرفت و فرمود: «گمان دروغ بردی و فرومایگی کردی! نه تو چنین حقی داری و نه یزید! یزید خشمگین گشت و سخنانی بین او و زینب سلام‌الله‌علیها رد و بدل شد، تا آنکه زینب سلام‌الله‌علیها فرمود: اکنون که سرتاسر زمین و آسمان را بر ما تنگ گرفته‌ای و ما را مانند اسیران به هر سو می‌کشانی به گمانت که پیش خدا برای ما پستی و برای تو شرف و منزلت است؟ بعد حضرت در مقابل یزید خطبه‌ای خواند که پایه‌های حکومت یزید را به لرزه درآورد: أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَاءَكَ وَ سَوْفَكَ

بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكَتْ سُتُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتِ  
وُجُوهُهُنَّ تَحْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ يَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاهِلِ وَ  
الْمَنَاقِلِ وَ يَتَصَفَّحُ وُجُوهُهُنَّ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ وَ الدُّنْيَى وَ الشَّرِيفُ لَيْسَ مَعَهُنَّ  
مِنْ رِجَالِهِنَّ وَ لِيٍّ وَ لَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِيٍّ.

ای پسر کسانی که جدمان (پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه) اسیرشان  
کرد و سپس آنها را آزاد نمود، آیا از عدالت است که تو زنان و کنیزان  
خود را پشت پرده بنشانی و دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله را به  
صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی، پرده آنان را بدری و روی آنان را  
بگشایی تا دشمنان آنان را از شهری به شهری ببرند و بومی و غریب به  
آنها چشم دوزند و نزدیک و دور، شریف و پست، چهره آنها را بنگرند،  
[در حالی که] از مردان آنها نه پرستاری مانده است و نه یآوری و نه  
نگهدار و کمک کننده‌ای؟

اقناع اندیشه

شاید در نگاه اول این سؤال پیش بیاید: چه اتفاقی می‌افتد که خانمی با این همه حیا و عفت، در برابر مردان خطبه می‌خواند و به کلمات سخیفشان پاسخ می‌دهد؟

وقتی با دقت نگاه کنیم، می‌بینیم ویژگی بارزی در حضرت زینب سلام‌الله‌علیها بود که ایجاب می‌کرد در هر زمانی کار مخصوص آن زمان را انجام دهند؛ زمان‌شناسی. یکی از خصوصیات برجسته عقیده بنی‌هاشم زمان‌شناسی ایشان است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

«فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا  
لِللِّسَانِ.»

برای شخص عاقل و خردمند لازم است که نسبت به زمان خود شناخت داشته و مشغول به خود و کار خود و نگهدارنده زبان خود باشد.

در کتاب مرآت العقول در شرح این روایت آمده است که: یکی از حکمت‌هایی که در زبور داوود بیان شده، این است که بر عاقل لازم است اهل زمانش را بشناسد تا بتواند بین دوست و دشمن واقعی‌اش، گمراه

کننده و هدایت کننده، بین کسی که باید او را متابعت کند یا از او مفارقت کند، فرق بگذارد. در نتیجه از ایشان در دین و دنیایش فریب نخورد و بتواند موضع تقیه، زندگی، گوشه‌گیری، حبّ و بغض را تشخیص دهد.

امیر المومنین علیه‌السلام درباره زمان‌شناسی می‌فرمایند: «لا بدّ للعاقل من ثلاث: ان ينظر في شأنه، و يحفظ لسانه، و يعرف زمانه.»

عاقل را سه چیز است: این که در کار خود نظر کند، و زبان خود نگاه دارد، و روزگار خود بشناسد.

یکی از نتایج زمان‌شناسی، حفظ فرد از فتنه‌ها و اشتباهات بزرگ است. امام صادق علیه‌السلام به مفضل فرمودند:

«يَا مُفَضَّلُ، لَا يُفْلِحُ مَنْ لَا يَعْقِلُ، وَ لَا يَعْقِلُ مَنْ لَا يَعْلَمُ، ... وَ الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ.»

انسانی که زمان‌شناس نباشد، خیلی به ضرر خود و جامعه عمل می‌کند.

**تحریک احساس**

از جمله کسانی که عالم بود ولی زمان شناس نبود، عبدالله پسر حنظله غسیل الملائکه است. او در مدینه مرد قابل احترامی بود. محل رجوع مردم بود. وقتی که امام حسین علیه السلام برای قیام از مدینه خارج شد، او از کسانی بود که بی تفاوت رفتار کرد. همین شخص، یک سال بعد از شهادت امام، بیدار شد و با عده‌ای از بزرگان مدینه به شام رفت. یزید مهمانی مفصلی گرفت و شروع به میگساری کرد و برای احترام به میهمانانش ۱۰۰۰۰۰ دینار به عبدالله داد و گفت: این مبلغ را خرج مدینه کن. تازه فهمیدند امام چه می گفته. وقتی از شام برگشتند، عبدالله به مردم مدینه گفت: «وَاللَّهِ مَا خَرَجْنَا عَلَىٰ يَزِيدَ حَتَّىٰ خِفْنَا أَنْ نُرْمَىٰ بِالْحِجَارَةِ مِنَ السَّمَاءِ! إِنَّهُ رَجُلٌ يَنْكِحُ الْأُمَّهَاتِ، وَالْبَنَاتِ وَالْأَخَوَاتِ وَيَشْرِبُ الْخَمْرَ وَيَدْعُ الصَّلَاةَ؛ مَا دَرُحَالِي مِنْ نَزْدِ يَزِيدَ بِيْرُونِ آمَدِيْمِ كِهْ خَوْفِ اَنْ دَاشْتِيْمِ كِهْ (بر اثر گناهان فراوان وی) از آسمان سنگ بر سر ما ببارد، او مردی است که با مادران و دختران و خواهران نیز زنا می کند؛ وی شراب می نوشد و نماز نمی خواند.»

دیگری گفت: «ما از نزد مردی آمدیم که دین ندارد، شراب می نوشد، طنبور می نوازد، نوازندگان به نزد وی به لهو و لعب مشغولند، با سگها بازی می کند، با جمعی از دزدان شب نشینی دارد.»

مردم مدینه به همین خاطر بر ضد یزید قیام کردند و تا خبر به یزید رسید، لشکری فراهم کرد و به مدینه فرستاد و چنان فجایعی در مدینه اتفاق افتاد که در تاریخ کم نظیرست. در یک روز حدود ده هزار نفر کشته شدند و جان و مال و ناموس مردم مدینه سه روز بر لشکریان حلال شد. این جریان در تاریخ به واقعه حره معروف است.

یکی دیگر از کسانی که زمان شناس نبود و به موقع بیدار نشد، سلیمان صدق خزاعی بود. به وقت خودش از امام دفاع نکرد، ولی بعد قیام توأیین را به راه انداخت. به قول شهید محسن گلستانی: وقتی حسین در صحنه است اگر در صحنه نباشی هر جا می خواهی باش؛ چه ایستاده به نماز چه نشسته بر سفره شراب.

### رفتار سازی

یکی از چیزهایی که در این ایام اعتکاف باید از خدا بخواهیم اینست که زمان شناس باشیم. اگر می خواهیم به درد امام زمان بخوریم باید زمان شناس باشیم و گرنه به سرنوشت سلیمان ها و عبدالله ها دچار می شویم. وقتی زمان شناس شدیم وظیفه مان را در هر زمانی تشخیص خواهیم داد.

یکی از اموری که انسان را زمان شناس می کند توجه به کلام ولایت است، چرا که ایشان بهتر از هر کسی می داند مهمترین نیاز کشور چیست. در روایت آمده است:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.»

عامل دیگری که به زمان شناسی کمک می کند، بیتفاوت نبودن به مسائل روز کشور و جهان است. پدر شهید فهمیده می گوید: من می دیدم که گاهی حسین دوازده ساله صبح از کرج می رود تهران و شب برمی گردد. ازش پرسیدم: کجا میری و برمی گردی؟ گفت: در دانشگاه تعداد محدودی نشریه پخش می شود که تفکرات این دانشجویان را به هم می زند. من با پول تو جیبیام آنها را می خرم و پاره می کنم

**روضه**

حضرت زینب سلام الله علیها عمری در داغ برادر سوخت. در همان ابتدای ورود، وقتی کاروان به مدینه می رسد، زینب کبری سلام الله علیها خود را به

مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله میرساند و در حالی که دو طرف در مسجد را گرفته است، خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید:

«يَا جَدَّاهُ إِنِّي نَاعِيَةٌ إِلَيْكَ أَخِي الْحُسَيْنِ وَ هِيَ مَعَ ذَلِكَ لَا تَجِفُّ لَهَا عَبْرَةٌ وَ لَا تَفْتُرُ مِنَ الْبُكَاءِ وَ النَّحِيبِ وَ كُلَّمَا نَظَرْتُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ تَجَدَّدَ حُزْنُهَا وَ زَادَ وَجْدُهَا.»

یا جداه! من خبر مرگ برادرم حسین را برای تو آورده‌ام. زینب پیوسته گریه می‌کرد و اشک و آهش تمامی نداشت. و هر بار که به برادرزاده‌اش علی بن الحسین علیه‌السلام می‌نگریست، اندوهش تازه و غمش افزوده می‌شد.

نقل شده است که پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام زنان بنی‌هاشم لباس‌های سیاه و خشن بر تن کردند، از سرما و گرما پروایی نداشتند.

(پایگاه امور مساجد)